

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هشتم، شماره‌ی سی‌ودوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۵۷-۲۹

تأثیر «میثاق الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه‌ی «تاریخ»)

مریم عزیزیان^۱

چکیده

یکی از اهداف مطالعات فرهنگی بین‌المللی شناخت هر چه بهتر فضای مناسبات جهانی و تحلیل پدیده‌ها و جریان‌های فرهنگی مؤثر بر جوامع است. از آنجایی که جریان‌ها و تحولات کنونی جوامع دارای عقبه‌ی تاریخی است، شناخت و تحلیل آنها هنگامی کامل‌تر، واقع‌بینانه‌تر و سودمندتر است که درک عمیق‌تری از حوادث و تحولات تاریخی این جوامع داشته باشیم. یکی از حوزه‌های فرهنگی بسیار ناشناخته در مجامع علمی کشورمان، مسئله‌ی «میثاق الوطنی» به عنوان مرانامه‌ی ایدئولوژیک و سیاسی سوسیالیسم عرب در مصر دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی است. فهم و عمل متفکران و کارمندان اجرایی، و همچنین قوانین فرهنگی و سیاسی مصر در این دهه، به شدت تحت تأثیر چارچوب‌بندی این مرانامه قرار داشته است. این پژوهش بر آن است ضمن معرفی رساله‌ی میثاق، اثرات این سند را بر بینش و عملکرد روشنفکران با تأکید بر مورخان مصری در ایجاد یک انقلاب فرهنگی و استعمارزدایی فرهنگی مورد واکاوی و تحلیل قرار دهد. نتیجه‌ی بررسی نشان می‌دهد در واکنش به سند میثاق یک انقلاب فرهنگی به وجود آمد. این انقلاب حوزه‌های وسیعی را در بر می‌گرفت که از جمله می‌توان به وضع قوانین و تأسیس مؤسسات فرهنگی جدید، تغییرات کتب درسی و برگزاری کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی اشاره کرد. در این میان، نسلی از مورخان مصری کوشیدند از طریق تسلط بر مراکز تاریخی، تصویب پروژه‌ی «بازنویسی تاریخ» و روایت تاریخ مصر از منظر سوسیالیسم، دیدگاه سوسیالیستی منشور را در تمام حوزه‌های دانش تاریخ در مصر مسلط سازند.

واژه‌های کلیدی: میثاق الوطنی (منشور ملی)، جمال عبدالناصر، سوسیالیسم عربی، انقلاب فرهنگی مصر

۱. استادبار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد. (maryamazian@ferdowsi.um.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۶ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

مقدمه

سوسیالیسم دوره ناصر بر حوادث ملی و بین‌المللی دهه ۱۹۶۰ م. بسیار تاثیرگذار بوده، که اهمیت آن بر متخصصان این حوزه پوشیده نیست. با وجود این، رساله‌ی «میثاق الوطنی»، به عنوان یکی از عوامل کلیدی فهم این نوع از سوسیالیسم، در مطالعات نویسندگان فارسی‌زبان بسیار کم‌رنگ و در حاشیه بوده است. این نویسندگان از این رساله با نام «منشور ملی» سخن گفته‌اند که به نظر می‌رسد برگردانی از عبارت انگلیسی آن (The National Charter) باشد.^۱ همچنین، هیچ یک از این مطالعات به تحلیل محتوای میثاق و تأثیر آن بر فضای فکری مصر توجهی نشان نداده‌اند. جالب اینجاست که حتی افرادی همانند کربز و کاپوآ که به تأثیر میثاق بر فضای اندیشگانی اهل تاریخ در مصر توجه داشته‌اند نیز، ضمن بررسی سوسیالیسم مصر، به صورت کلی و اشاره‌وار از این سند سخن گفته‌اند.^۲ با این مقدمه می‌توان دریافت که میثاق و تأثیرات آن بر حوزه‌ی فرهنگ مصری مطالعات بیشتری را می‌طلبد. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی به معرفی و تبیین سند میثاق بپردازد و تأثیرات آن را بر حوزه‌ی فرهنگ و اندیشه‌ی مصر در دهه‌ی ۱۹۶۰ تحلیل کند.

با توجه به تأثیرات وسیع این مرامنامه و نیز پیچیدگی و گستردگی عرصه‌ی اندیشه و فرهنگ، تأکید اصلی مقاله‌ی حاضر بر حوزه‌ی تاریخ و اندیشه‌ی روشنفکران مورخ مصری قرار دارد. با عنایت به این هدف، در این نوشتار ابتدا از چگونگی صدور میثاق، محتوای آن و اقدامات مختلف حکومت ناصر در راستای اجرای منشور در زمینه‌ی فرهنگ سخن گفته می‌شود و سپس واکنش مورخان به این سند و چگونگی کوشش آنها برای برپایی یک انقلاب فرهنگی در حوزه‌ی تاریخ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. این کم‌توجهی حتی در اثر عنایت هم دیده می‌شود: حمید عنایت، (۱۳۵۰)، *اسلام و سوسیالیسم در مصر*، تهران: موج، صص. ۹-۱۱؛ غلامرضا نجاتی، (۱۳۵۱)، *جنبش‌های ملی مصر*، تهران: شرکت سهامی انتشار، صص. ۱۹۸-۲۰۳.

2. Jack Crabbs, "Politics, History, and Culture in Nasser's Egypt", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 6, No. 4, Oct. 1975, pp. 387, 397-393, 412; Yiyav Di-Capua, (2009), *Gatekeepers of the Arab Past...*, London: University of California Press, pp.418-426, 436.

۱. ایدئولوژی سوسیالیسم و برآمدن میثاق (منشور)

سوسیالیسم تا پیش از دهه‌ی ۱۹۶۰ م. به عنوان یک نوع اندیشه در بافت فکری مصر وجود داشت،^۱ اما در این دهه به عنوان مرام و ایدئولوژی اصلی کشور پذیرفته شد. این گرایش محصول مسائل مختلف داخلی و خارجی به ویژه وقایع دهه‌ی پنجاه بود. از جمله این عوامل داخلی خشم حکومت انقلابی نسبت به طبقات ثروتمند به سبب عدم همراهی آنان در راه پیشرفت کشور، توسعه روابط و معاملات با اتحاد جماهیر شوروی، یوگسلاوی و کشورهای اروپای شرقی، ملی کردن منافع و سهام شرکت‌های بزرگ انگلیسی و فرانسوی پس از جنگ سوئز، تشکیل جمهوری متحده‌ی عربی در ۱۹۵۸ و کناره‌گیری سوریه از جمهوری متحده در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۱ بود.^۲ عوامل بین‌المللی مربوط به برخوردهای خصومت‌آمیز غرب با حکومت ناصر و گرایش شوروی به «سوسیالیسم مستقل» بود، که منجر به نزدیکی هر چه بیشتر مصر به کشورهای غیرمتعهد و شوروی شد. گرایش شوروی به سوسیالیسم «مستقل» بر اثر پذیرش سوسیالیسم یوگسلاوی در دوران پس از استالین پدید آمد. در این نوع از سوسیالیسم، شوروی جهان سوم را به عنوان یک نیروی مستقل در سیاست بین‌المللی می‌پذیرفت که روش‌های توسعه‌ی «غیر سرمایه‌داری»

۱. این مکتب در پایان قرن نوزدهم توسط روشنفکران مسیحی مهاجر از شام وارد مصر شد. تا پیش از جنگ جهانی دوم، سوسیالیسم تخیلی و سوسیالیسم فابین بر اندیشمندان چپ مصری حاکم بود و سوسیالیسم علمی تفکری در حاشیه بود. همچنین، احزاب الاشتراکی المبارک، حزب العمل بالقطر المصری و السودان و حزب سوسیالیسم مصر نخستین حزب‌های سوسیالیست مصری بودند که در سال‌های ۱۹۰۹-۱۹۱۹ تأسیس شدند. برای اطلاعات بیشتر نک. یاسمن یاری، (۱۳۹۲)، «سازگاری غربی- بومی در جریان‌های فکری مصر، در نیمه نخست قرن بیستم»، رساله دکتری در دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر حمید احمدی، صص. ۹-۱۱، ۹۷-۱۵۵؛ همچنین، رفعت سعید، (۱۹۸۰)، تاریخ الحركة الأشتراکیة فی مصر... بیروت: دار الطلیعة و النشر، صص. ۸۳، ۱۳۷-۱۴۳.

۲. مجید خدوری، (۱۳۷۴)، گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، عبدالرحمن عالم، تهران: وزارت امور خارجه، صص. ۱۷۸، ۱۷۹؛ پیتر منسفیلد، (۱۳۸۵)، تاریخ خاورمیانه، عبدالعلی اسپهبدی، تهران: علمی و فرهنگی، صص. ۳۰۲-۳۰۵؛ حسن علی‌زاده، (۱۳۸۸)، «بررسی جریانات فکری جهان عرب...»، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به راهنمایی حمید احمدی، ص. ۹۱.

خاص خود را دارد. برای صاحبان این گرایش، از جمله مصر، اندیشه‌های سوسیالیستی یوگسلاوی، که در اصطلاح به اندیشه‌های تجدیدنظرطلبی معروف بود، جاذبه‌ای شگرف داشت. در اندیشه‌ی تجدیدنظرطلبی، بر اساس مشرب التقاط و نسبییت فلسفی، پذیرش مارکسیسم مشروط می‌شود. این اندیشه، به خلاف اصول مارکسیسم شوروی، می‌توانست مسلک فکری کوشش‌های مصر را در برنامه‌ریزی یک نظریه‌ی سوسیالیستی هماهنگ با اوضاع و احوال اجتماعی ویژه آن کشور مشروع جلوه دهد.^۱ همگی این عوامل سبب گردید که ناصر هر روز یک گام به ایدئولوژی و مرامی نزدیک‌تر شود که در ۱۹۶۱ «سوسیالیسم عرب» نام گرفت. در این مقاله، همانند کتاب طارق اسماعیل، سوسیالیسم عرب با سوسیالیسم ناصری همسان در نظر گرفته می‌شود. از نظر اسماعیل، در جهان عرب ابتدا ناصر در مورد خصوصیات سوسیالیسم نظریه‌پردازی و آن را عملی کرد. او نخستین «اتحادیه سوسیالیسم عرب» (الإتحاد الإشتراکی العربی) را بنیان نهاد، و ایدئولوژی او بود که در جهان عرب غلبه یافت^۲ (برای توضیح این مفاهیم بنگرید به ادامه مقاله).

اندیشه‌ی سوسیالیستی ناصر یک نقشه و برنامه‌ی ده‌ساله برای دگرگونی اجتماع و ساخت یک جامعه‌ی سوسیالیستی را پی‌ریزی کرد.^۳ ناصر خصوصیات این نظریه را به صورت یک لایحه به «کمیته تنظیم و تدارکات» ارائه داد. این کمیته در نوامبر ۱۹۶۱ تشکیل شد تا شالوده «کنگره ملی نیروهای خلق» (المؤتمر الوطنی لقوی الشعب) را بنا نهد. کنگره مذکور در فاصله‌ی می تا ژوئیه سال ۱۹۶۲ برای بررسی پیش‌نویس مرامنامه‌ی سوسیالیستی ناصر، یعنی «میثاق الوطنی» (منشور ملی) و تأسیس «اتحادیه سوسیالیسم عرب» (الإتحاد الإشتراکی العربی) برگزار شد.^۴ با عنایت به اهمیت و اثرگذاری بسیار زیاد

۱. اسلام و سوسیالیسم در مصر، صص. ۹-۱۱؛ آنتونی ناتینگ، (۱۳۵۳)، ناصر، عبدالله گله‌داری، تهران: امیرکبیر، صص. ۲۳۵، ۳۵۳.

۲. طارق اسماعیل، (۱۳۶۹)، چپ ناسیونالیستی عرب، عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، صص. ۸۳-۱۰۰.

۳. همان، ص. ۸۴.

۴. فایض سائق، (۱۳۵۱)، «شالوده علمی سوسیالیسم عرب ناصری» در: حواری، مسایل خاورمیانه، عبدالله گله‌داری، تهران: امیرکبیر، صص. ۱۰، ۱۱؛ علی السمان، (۱۳۵۷)، رویارویی مسلک‌ها و جنبش‌ها...، حمید

تأثیر «میثاق الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه‌ی «تاریخ») | ۳۳

منشور (میثاق) در تمام جنبه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی و... جهان عرب و مصر در دهه‌ی شصت، لازم است اندکی در مورد شاکله و تعریف سوسیالیسم در این سند که همچنین نشان‌دهنده معنای واقعی سوسیالیسم ناصر است توضیح داده شود.

۲. محتوای میثاق الوطنی و نوع سوسیالیسم آن

میثاق الوطنی (منشور ملی) به عنوان یکی از اسناد اصلی نظری ناصر، اصول ناسیونالیسم را خلاصه کرده و نظریات سوسیالیستی او را به تصویر می‌کشد. این رساله‌ی طولانی در ده باب تنظیم شده است.^۱ ایدئولوژی سوسیالیستی که اندیشمندان و کارگزاران مصر در دهه‌ی شصت فهم کرده بودند و بر اساس آن عمل می‌کردند به شدت تحت تأثیر این سند قرار داشت. این متن نتیجه‌ی مباحثات طولانی و فشرده میان ناصر و محمد حسنین هیکل^۲ بود. البته هیکل تصریح کرده که علی‌رغم آن که او رساله را نگاشته، ایده آن متعلق به ناصر بوده است.^۳ ناصر به سوسیالیسم خود در منشور عنوان «سوسیالیسم علمی» داد و آن را با «سوسیالیسم قدیمی» مقایسه کرد تا بر این نکته تأکید کند که اصول وی نه بر پایه‌ی نظریه‌ی صرف، بلکه بر اساس ارزیابی عینی و تجربه عملی از شرایط اجتماعی گذشته‌ی مصر بوده است.^۴ تعریف و تعیین ویژگی‌های ناصریسم (سوسیالیسم ناصری) و تفاوت آن با

نوحی، تهران: قلم، صص. ۱۶۶، ۱۶۷؛ ژان درینیک، (۱۳۵۸)، *خاورمیانه در قرن بیستم*، فرنگیس اردلان، تهران: جاویدان، ص. ۲۸۵.

۱. متن رساله میثاق (منشور) در سایت زیر آمده است:

<http://nasser.bibalex.org/Speeches/browser.aspx?SID=1015>; (accessed 2/2/2016)

۲. یکی از نام‌آورترین روزنامه‌نگاران عرب و شخصیت و نظریه‌پرداز سیاسی مهم مصری که نزدیکی بسیاری با جمال عبدالناصر داشت. او هفده سال نیز سردبیر روزنامه‌ی *الاهرام* بود. به علاوه این که ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی و سوسیالیسم ناصر را منتشر ساخت. حسنین رویوران، (۱۳۹۵)، «رسالت تاریخی ایران و مصر از دیدگاه محمد حسنین هیکل»، *فرهنگ اسلامی*، ش. ۴۴-۴۵، اسفند ۱۳۹۵-فروردین ۱۳۹۶، ص. ۱۳۶.

۳. یوسف العقید، (۱۴۲۳ ق. / ۲۰۰۳ م.)، *عبدالناصر و المثقفون و الثقافة*، قاهرة: دارالشروق، ص. ۲۶۸.

۴. محمد آنیس، (۱۹۶۶)، «أول مايو عيد العمال، ۲۱ مايو يوم الميثاق»، *الکاتب*، العدد ۶۲، مايو ۱۹۶۶، صص. ۶-۷؛ *چپ ناسیونالیستی عرب*، صص ۹۱-۹۲.

انواع دیگر سوسیالیسم کار آسانی نیست. می‌توان گفت سوسیالیسم ناصری آمیخته‌ای از مارکسیسم و کمونیسم است.^۱ بیان تفاوت‌های آن با مارکسیسم لنینیستی آسان‌تر است تا بیان شباهت‌های آن. ناصریسم در چهار جنبه اساسی با فلسفه مارکسیستی-لنینیستی فرق داشت. نخست، عقاید ماتریالیستی مارکسیسم را که به رد دین می‌انجامید نپذیرفت و برعکس رسالتی مترقیانه برای دین در نظر گرفت. دوم، ناصریسم نظریه‌ی لنین مبنی بر اهمیت «پیشگام سازمان‌یافته» یعنی طبقه‌ی کارگر در پیشبرد انقلاب را رد کرد و ضرورت اتحاد و ائتلاف گسترده‌ی تمام نیروها و طبقات فعال خلق را در جهت رهبری جامعه به سمت سوسیالیسم برگزید. سوم، وقوع جبری دوره‌ی کمونیسم رد شد و تنها دوره‌ی سوسیالیسم مرحله‌ی نهایی نظم اجتماعی دانسته شد. در این دوره، ناصر با پذیرش اجتناب‌ناپذیری کاربست راه‌حل‌های سوسیالیستی برای مسائل مصر به عقیده جبر تاریخی و دترمینیسم نزدیک‌تر شد. چهارم، ناصریسم نمی‌گفت مالکیت خصوصی یک شر اجتماعی است، بلکه آن را تا زمانی که به برنامه دولتی توسعه ملی زیبایی وارد نمی‌آورد می‌پذیرفت.^۲ تعاریف مختلفی از مفهوم «سوسیالیسم» در منشور آمده است. در یک جمع‌بندی، سوسیالیسم تحقق سه آرمان «کفایت»، «عدالت» و «آزادی» است. «کفایت» یعنی افزایش حجم ثروت کشور، «آزادی» همان مشارکت در سرنوشت کشور است، و «عدالت» به مفهوم رهایی از قید استثمار برآمده از اتحاد فئودالیسم و سرمایه‌داری خارجی و داخلی و برخورداری از امکانات مساوی پیشرفت و به دست آوردن سهمی از ثروت ملی درخور تلاش هر فرد است. در ضمن عدالت اجتماعی پایان دادن به تمایز طبقاتی است، بدون آن که بخواهد همانند نظام کمونیستی طبقه‌ای را منحل یا کل جامعه را بی‌طبقه سازد.^۳ اوج موفقیت و هدف سوسیالیسم تحقق آرمان آزادی یعنی دموکراسی سوسیالیستی در نظر گرفته می‌شود.^۴ در منشور نیز، همانند تفکر دهه‌ی پیش، مجدداً به ضرورت وقوع دو

1. "Politics, History, and Culture in Nasser's Egypt", p. 388; Shahrough Akhavi, (1975), "Egypt's Socialism and Marxist Thought...", *Comparative Studies in Society and History*, Vol. 17, No. 2, Apr. 1975, p. 209.

۲. چپ ناسیونالیستی عرب، صص. ۹۲-۹۳.

۳. میثاق، باب الاشتراکیة و باب الوحدة العربیة؛ «شالوده علمی سوسیالیسم عرب ناصری»، صص. ۱۶-۱۷.

۴. میثاق، باب الاشتراکیة.

ا تأثیر «میثاق‌الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه‌ی «تاریخ») | ۳۵

انقلاب - اجتماعی و سیاسی - تأکید شده است. نابودی سلطه اتحاد استعمارگر از طریق یک کودتا و انقلاب سیاسی میسر می‌گردد. سپس انقلاب اجتماعی، با برقراری عدالت اجتماعی، اتحاد نیروهای فعال مردمی را تحقق می‌بخشد. سوسیالیسم، از طریق صلح و عدالتی که برقرار می‌سازد، بنای یک دموکراسی واقعی را امکان‌پذیر خواهد ساخت. نیروهای فعال خلق در منشور با عنوان «کشاورزان، کارگران، سربازان، روشنفکران و سرمایه‌داران ملی» تعریف شده‌اند.^۱ چنان که دیده می‌شود این نیروها و طبقات بر اساس یک مقسم تقسیم نشده‌اند.

پس از صدور میثاق، به منظور تحقق آن و اجرای نظام سوسیالیستی، دو اقدام مهم دیگر صورت گرفت: یکی تأسیس «سازمان‌ها و ارگان‌های سوسیالیسم» و دیگری عمل «حراست از انقلاب». همانند افکار سوسیالیستی ناصر، نهادها و شیوه‌هایی که برای تحقق این سوسیالیسم بنا شد، جنبه‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشت. ناصریم به جد تلاش داشت سوسیالیسم را در تمام این جنبه‌ها اجرا کند. فعل و انفعالات مربوط به پایه‌گذاری دستگاه‌های سوسیالیستی بر پایه معیارهای ناصر از ۴ نوامبر ۱۹۶۱ تا ۲۶ مارس ۱۹۶۴ به درازا کشید. بدین منظور کمیته تدارکات (آغاز ۲۵ نوامبر ۱۹۶۱ و خاتمه ۳۱ دسامبر همان سال)، کنگره ملی (۲۱ می تا ۴ ژوئیه ۱۹۶۲) و بعدها «شورای ریاست جمهوری» (۲۷ سپتامبر ۱۹۶۲) و جانشین آن یعنی «مجلس ملی جدید» در مارس ۱۹۶۴ تأسیس شدند.^۲

تشکیل «اتحادیه سوسیالیسم عرب» را باید یکی از مهم‌ترین تلاش‌های ناصریم برای تحقق «دموکراسی سوسیالیسمی» دانست. از نظر ناصر، اتحادیه باید راهنمای مردم برای پیشرفت و انقلابی در قالب اصول منشور می‌شد. وظیفه‌ی اولیه آن تنظیم یک قانون اساسی دائمی برای جمهوری متحده عربی تعیین شد که در مارس ۱۹۶۴ به منصفه ظهور رسید.^۳

ریشه‌ی پدید آمدن عقیده‌ی «حراست از انقلاب» را باید در عملکرد حکومت ملک

۱. همان؛ «شالوده علمی سوسیالیسم عرب ناصر»، صص. ۴۷-۵۰.

۲. همان، صص. ۴۳-۴۶.

۳. همان، صص. ۴۷-۵۰.

فاروق و احزاب ناسیونالیست پیش از ۱۹۵۲، بدبینی مفرط ناصر و جدایی سوریه در سپتامبر ۱۹۶۱ دانست.^۱ پس از جنگ جهانی دوم، جوانان مصری تداوم اشغال انگلیس و شکست اعراب از جمله میهن خود را از اسرائیل (۱۹۴۸) به دلیل سوءعملکرد پادشاه، طبقه‌ی حاکم و احزاب ملی‌گرایی می‌دانستند که بیش از داشتن دغدغه در مورد ملت و وطن خواهان حفظ منافع خود بودند.^۲ انقلابیون ۵۲، با سقوط حکومت فاروق و به دست آوردن استقلال مصر، تمام اعضا و احزاب وابسته به رژیم سابق را اعضای متعلق به نظام ارتجاع، فئودالیسم و سرمایه‌داری معرفی کردند و گفتند ضد انقلاب و ملت هستند. از نگاه ناصر، جدایی سوریه ضربه‌ی ضدانقلابی همین ارتجاع بود. به همین دلیل، انقلاب باید با خلع سلاح کامل فئودالیسم و سرمایه‌داری خود را حفظ نماید. این عقیده نقش قاطعی در تدبیرهای مربوط به تغییر رؤسای سازمان‌ها، انزوای سیاسی مرتجعان، منع فعالیت احزاب سیاسی و محدود ساختن انتقاد سیاسی ایفا کرد.^۳ برای مصونیت بیشتر این ایدئولوژی، نیمی از کرسی‌های هر یک از نهادهای منتخب به کسانی اختصاص داده شد که به پیروزی سوسیالیسم نفع بیشتری می‌رسانند.^۴

هدف رژیم انقلابی از ارائه یک ایدئولوژی مشخص و متمایز، اجرا و حراست از آن، همان هدف ناسیونالیست‌های پیشین یعنی «ترقی و پیشرفت» مصر بود، با این تفاوت که انقلابیون برای رسیدن به این هدف نوع دیگری از مدرنیسم یعنی مرام سوسیالیسم را پذیرفتند، سوسیالیسمی که بر جهان‌اندیشه آن روزگار سایه عمیقی افکنده بود.

۳. میثاق و انقلاب فرهنگی

حوزه‌ی فرهنگ یکی از حوزه‌های زندگی مصریان بود که با طلوع دهه‌ی شصت، رژیم

۱. برای نمونه، نک. ناصر، صص. ۵۲۵-۵۶۱.

۲. آلبرت حورانی، (۱۳۸۷)، تاریخ مردمان عرب، فرید جواهرکلام، تهران: امیرکبیر، صص. ۴۹۸-۵۰۳.

۳. «شالوده علمی سوسیالیسم عرب ناصری»، صص. ۵۲-۷۲، ۴۱، ۴۲.

۴. رویارویی مسلک‌ها و جنبش‌های سیاسی، ص. ۱۷۰؛ «شالوده علمی سوسیالیسم عرب ناصری»، ص.

تأثیر «میثاق الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه‌ی «تاریخ») | ۳۷

ناصر به ضرورت یک «انقلاب سوسیالیستی» در آن معتقد شد. سخنرانی ناصر در جمع اعضای کنگره ملی در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۱ به روشنی این اعتقاد را نشان می‌دهد:

انقلاب فرهنگی پایه‌ی انقلاب سیاسی و اجتماعی است ... ما برای ساخت جامعه‌ای بر اساس کفایت و عدل، احتیاج به یک انقلاب فرهنگی داریم که مبارز و معاند استعمار، ارتجاع، تسلط سرمایه‌داری و دیکتاتوری و هر نوع استبداد و استثمار است ... به همین خاطر در انقلاب فرهنگی خود با انقلاب اقتصادی و اجتماعی همراه شدیم. از این رو ما می‌خواهیم که آثار و بقایای فرهنگ استعماری را از میان برداریم. این هدف به معنی رد کامل فرهنگ بیگانه نیست، بلکه بر ما واجب است که بخش‌های مفید این فرهنگ را از مضر آن تشخیص دهیم. انقلاب فرهنگی سلاح قوی توده‌های خلق است.^۱

هدف، چارچوب، برنامه و مجریان انقلاب فرهنگی را منشور (میثاق) تعیین می‌کرد. بیشترین نیرویی که در میان «نیروها و طبقات فعال» ذکر شده در منشور به مقوله انقلاب فرهنگی توجه نشان داد و از آن تأثیر پذیرفت نیروی «روشنفکران» بود. در میان آنها خیل عظیمی از اهل تاریخ و روزنامه‌نگاران محفل چپ مصری که خویش را از طیف روشنفکران به حساب می‌آوردند نیز دیده می‌شدند.

حساسیت ناصر به مسائل فرهنگی سبب شد تا وزارت فرهنگ را مرکز برنامه‌ریزی انقلاب فرهنگی قرار دهد و وزرای آن را در کل این دهه از معتمدترین نزدیکان خود، مانند ثروت عکاشه (یکی از افسران آزاد)، انتخاب کند.^۲ این وزارت، علاوه بر وضع قوانین فرهنگی جدید، به تأسیس مؤسسات فرهنگی نیز مبادرت ورزید. تعدادی کانون فرهنگی

۱. محمد انیس، «حول قضیه التغيير الثقافی فی المجتمعات التحول الاشتراکی»، الهلال، ۲۶ جمادی‌الأولی ۱۳۸۷ ق. / اول سبتمبر ۱۹۶۷ م.، صص. ۴-۵؛ همچنین توجه کنید به این سخن منشور: «برای ساخت جامعه جدید، اخلاق و روابط اجتماعی جدید به فرهنگ ملی جدید نیاز بود» (میثاق، باب نظرة عامة).

۲. جنبش‌های ملی مصر، صص. ۵۱۱-۵۱۲؛ ثروت عکاشه، (تموز/یولیو ۲۰۰۹)، «ثورة ۲۳ یولیو/تموز و المسألة الثقافیة» در: ابراهیم صقر و [آخ]؛ ثورة ۲۳ یولیو/تموز قضايا الحاضر، تحدیات مستقبل، بحوث و مناقشات الندوة الفکرية اللتی نظمتها....، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ص. ۵۱۳.

در سازمان‌های جوانان تشکیل شد، و قوانین ملی جدید در مدارس حاکم گردید.^۱ دایره‌ی فعالیت‌های مؤسسه‌ی «شورای عالی نظارت بر هنرها، ادبیات و علوم اجتماعی» (مجلس الأعلى رعاية الفنون و الآداب و العلوم الاجتماعية) بسی گسترده‌تر شد. این مؤسسه بر کل کنگره‌ها و کنفرانس‌های ادبی، عربی و بین‌المللی نظارت داشت و حتی اعضا و شرکت‌کنندگان آن را انتخاب می‌کرد. این سازمان بود که حکم یک مؤسسه‌ی جدید، منع و یا تحریم آن را صادر می‌کرد. همچنین این مؤسسه بر کل جوایزی که حکومت انقلاب برای تقدیر از آثار هنرمندان، ادبا و متفکران در نظر گرفته بود نظارت داشت. این جوایز به افرادی تعلق می‌گرفت که آثاری همسو با اهداف انقلابی و سوسیالیستی حکومت تولید می‌کردند. مؤسسات فرهنگی انقلاب در کمین هر تحول و یا جنبشی جدید در حوزه‌ی ادبیات و هنرها نشستند. برای مثال، هیئت شعر در «شورای عالی نظارت بر هنرها و...» به جنبش شعر جدید، با این اتهام که جنبشی عصیانگر علیه نظام است، اجازه ادامه‌ی فعالیت نداد. همچنین، هزینه‌های زیادی در زمینه تغییر نگاه و کنش‌های هنرمندان و کنترل برنامه‌ها و آثار هنری صرف شد. فیلم‌های سینمایی، برنامه‌های رادیویی، هنرهای تجسمی و موسیقی تا حد زیادی کنترل و جهت‌دهی شدند.^۲

به منظور تسریع در انقلاب سوسیالیستی در حوزه‌ی فرهنگ، دو اقدام دیگر نیز در این برهه زمانی در حال وقوع بود: یکی تأسیس آموزشگاه‌های عالی علمی و دیگری سیاست تولید کمی کتاب در سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۶ که در تاریخ مصر بی‌سابقه بود.^۳ مسئله‌ی تولید کمی تحت نظارت وزارت فرهنگ در ارتباط مستقیم با تأسیس سازمان‌های چاپ و انتشار کتب و مطبوعات قرار داشت. سازمان‌های «دارالقومية للطباعة و النشر» و طرح عظیم آن با عنوان «سلاسل الألف کتاب» (زنجیره‌ی هزار کتاب)، طرح «المکتبة العربية»

۱. محمود امین العالم، «مناقشات حول مقالة ثروت عكاشه؛ ثورة ۲۳ يوليو/تموز و المسألة الثقافية» در: ثورة ۲۳ يوليو/تموز...، ص. ۶۳۶.

۲. «ثورة ۲۳ يوليو/تموز و المسألة الثقافية»، صص. ۵۱۳-۵۹۰.

۳. رجاء النقاش، «تعقيب الثاني بر مقالة ثروت عكاشه، ثورة ۲۳ يوليو/تموز و المسألة الثقافية»، در: ثورة ۲۳ يوليو/تموز...، صص. ۶۲۱-۶۲۷.

تأثیر «میثاق الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه‌ی «تاریخ») | ۳۹

(کتابخانه عربی)، «مؤسسة المصرية للتألیف و الأنباء و الترجمة» و «دار المصرية» بدین منظور راه‌اندازی شدند که هر کدام بخشی مخصوص ترجمه نیز داشته باشند. بیشترین تولید انبوه پس از تصویب دو طرح عظیم «سلاسل الألف کتاب» زیر نظر شرکت دارالقومیة در سال ۱۹۶۳ و طرح «المکتبة العربية» در سال ۱۹۶۴ اجرا و عملی شد.^۱

در حوزه مطبوعات نیز خیلی زود برخی مجلات پیشین گرایش سوسیالیستی را اتخاذ کردند. همچنین برخی مجلات جدید برای تبلیغ و آموزش سوسیالیسم و مطالعه‌ی نظری این مرام تولید شدند. از جمله مهم‌ترین این مجلات «الکاتب العربی»، «تراث الإنسانیة»، «الکاتب»، «الطلیعة» و «الفکر المعاصر» بود.^۲ با عاریه گرفتن استدلال‌های کمونیست‌ها توسط حکومت ناصر، بسیاری از مطبوعات تحت عنوان ابزار منافع طبقاتی و کاپیتالیسم و به نام حراست از انقلاب توقیف و برچیده شدند. رژیم جدید خیلی بیشتر از ملک فؤاد و ملک فاروق (پادشاهان سابق مصر) توانست مطبوعات را کنترل کند.^۳ در حقیقت با آن که انقلاب در پی تغییر برآمده بود، خود مانعی برای آن شد.^۴ دولت و روشنفکران طرفدار سوسیالیسم مضموم بودند بر نگاه فرهنگی ملت مصر مسلط شوند. افق‌های دید در تمام زمینه‌های فرهنگی و هنری همچون ادبیات، علوم اجتماعی، تئاتر و سینما در حال محدود شدن بود.

۴. میثاق، انقلاب فرهنگی و تاریخ

در این میان، یک حوزه‌ی فرهنگی بسیار مهم دیگر که انقلابیون به ضرورت استمرار تغییرات بنیادی در آن بیش از پیش معتقد بودند و به کنشی فعال در آن دست زدند، آگاهی تاریخی مصری بود. نقطه‌ی ثقل این تلاش - که بیشترین آثار درازمدت را نیز به همراه داشت - میثاق (منشور) بود. به لحاظ خط سیر تاریخی مصر، انقلابیون کوشش کردند

۱. جلال السید و دیگران، «تحقیق صریح حول: الثقافة و الثورة فی مجتمعنا»، الکاتب، العدد ۶۴، یولیو ۱۹۶۶، ص. ۱۸؛ «ثورة ۲۳ یولیو/تموز و المسألة الثقافية»، ص. ۵۵۴.

۲. «تحقیق صریح حول الثقافة و...»، العدد ۶۴، ص. ۲۰.

3. "Politics, History...Egypt", p. 392.

۴. «تعقیب الثانی بر مقاله ثروت عکاشة»، ص. ۶۲۷.

انقلاب ژوئیه به عنوان «موفق‌ترین انقلاب در تاریخ مدرن مصر» تعریف و روایت شود. این نوع روایت خاص از گذشته نه فقط در کتب تاریخی بلکه به دست نویسندگان و هنرمندان مصری در ادبیات، موسیقی، تئاتر، سینما و هنرهای تجسمی نیز به تصویر کشیده شد.^۱ به دلیل کنش فعال و متنوع انقلابیون در حوزه‌ی آگاهی تاریخی، شرح کنش انقلابیون در زمینه‌ی نشر کتب و مجلات تاریخی، تغییر در محتوای کتب درسی و اجرای امر «حراست از انقلاب» در حوزه‌ی فعالیت تاریخی تحت تأثیر منشور، قسمت نخست این بخش و تأثیرپذیری مورخان مصری از این سند، قسمت دوم آن را به خود اختصاص می‌دهد.

در راستای برنامه‌ریزی برای نگارش و ترجمه‌ی کتب تاریخی همسو با اهداف انقلاب فرهنگی، چند کمیته‌ی «تاریخ و باستان‌شناسی» در مؤسسات و زرات فرهنگ مانند دارالقومیة و طرح بزرگ آن (الألف الکتاب)، دارالمصریة و مکتبة العربیة تشکیل شد.^۲ برخی از کتب دهه‌های قبل به عنوان تاریخ ملی مصر و میراث عربی بازتولید شدند.^۳ از جمله‌ی این آثار یکی از کتاب‌های عبدالرحمن رافعی، مورخ نامدار مصر، بود که در این دهه به چاپ دوم خود رسید.^۴ دیگر آثار این مورخ، به دلیل همسو نبودن با اهداف انقلابیون، تجدید چاپ نشد. با وجود این، نگاه ناسیونالیستی افراطی رافعی و روایت ویژه‌اش از انقلاب ۵۲ به عنوان ظهور کامل‌ترین انقلاب تاریخ مصر در رساله‌ی میثاق هم قابل رؤیت است.^۵ در میان مجلات و روزنامه‌هایی که به چاپ مقالات تاریخی علاقه و توجه داشتند، «الکاتب» و «الطلیعة» بیشترین گرایش‌های چپ را نشان می‌دادند. ارزش محتوایی مقاله‌ها

1. Yoram Meital, "School Textbooks and Assembling the Puzzle of the Past in Revolutionary Egypt", *Middle Eastern Studies*, Vol. 42, No. 2, Mar. 2006, p. 265.

۲. «تحقیق صریح حول الثقافة و...»، العدد ۶۴، صص. ۱۸-۲۶.

۳. جلال السید، و دیگران، «دراسة صریحة حول: الثقافة و الثورة فی مجتمعنا»، الکاتب، العدد ۶۵، أغسطس ۱۹۶۶، صص. ۳۸-۶۵.

۴. عبدالرحمن الرافعی، (۱۹۸۷)، مقدمات ثورة ۲۳ يوليو سنة ۱۹۵۲، قاهرة: دار المعارف.

۵. همان، ص. ۲۱۴-۲۱۵؛ و نیز، عبدالرحمن الرافعی، (۱۹۸۴)، ثورة ۲۳ يوليو سنة ۱۹۵۲، قاهرة: دار المعارف، صص. ۱۰، ۱۱، ۲۲۴، ۲۲۵؛ میثاق، باب «فی ضرورة الثورة».

تأثیر «میثاق الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه‌ی «تاریخ») | ۴۱

در ژورنال‌های «المصرية للعلوم السياسية» و «المجلة التاريخية لمصرية» به طور روزافزونی رو به کاهش بود. اما مجله‌های «کلیه الآداب»، در دو دانشگاه قاهره و اسکندریه، استاندارد بالای خود را حفظ کردند. گرچه ساختار روزنامه‌های «الهلال» و «الرسالة» تا حدی سست شده بود، همچنان بااهمیت بودند. «المجلة» تحت مدیریت توانای یحیی حقی^۱ کاملاً مشهور ماند. همچنین، در مارس ۱۹۶۵ مجله‌ی جدید و ارزشمند «الفکر المعاصر» ظاهر شد. هرچند تفکر سوسیالیسم جزمی و متعصب بر کادر این مجله حاکم بود، خیلی زود توانست به معروف‌ترین اندیشه‌ی خلاق در نوع خودش تبدیل شود.^۲

انقلابیون همانند دهه پیش در کتاب‌های درسی مدارس به تولید روایت تاریخی و انقلابی از افسران آزاد ادامه می‌دادند، اما به مسئله سوسیالیسم و هماهنگ‌سازی آن با تاریخ، ارزش‌ها، فرهنگ و مذهب جامعه مصر توجه مفرطی نشان دادند.^۳ برای مثال، با هدف برابری ایده‌های سوسیالیسم با ارزش‌های اسلام، دو فصل به کتاب درسی دبیرستان اضافه شد:

در فصل‌های «سوسیالیسم و تعاونی در اسلام» (الاشتراکیه و التعاونیه فی الاسلام) و «سوسیالیسم اسلامی» (الاشتراکیه الاسلامیه)، جنبه‌های منفی نظام سرمایه‌داری در برابر مزایای سوسیالیسم به تفصیل توصیف شده‌اند. این بخش بر این تأکید داشت که ارزش‌های نظام سوسیالیسم با ارزش‌های دین اسلام سازگارند.^۴ در دیگر کتاب درسی، مزایای سیاست اقتصادی و اجتماعی رژیم انقلابی به وسیله‌ی استقرار نظام تعاونی به جای نظام سرمایه‌داری پیشین نیز نشان داده شده است.^۵ همچنین دیدگاه انقلابی «صنعتی شدن مصر» - به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به پیشرفت‌های مالی و اجتماعی - به سرعت راهش را

۱. ادیب و نویسنده مشهور به ویژه در داستان‌نویسی کوتاه که مشهورترین اثرش «قندیل أو هاشم» نام دارد. او همچنین یک شخصیت فعال سیاسی و اجتماعی بود. نک. فاروق شوشه، «مع الأدباء: یحیی حقی»، *الآداب، السنة الثامنة، العدد ۷*، یولیه ۱۹۶۰، صص. ۱۱-۱۲.

۲. "Politics, History...Egypt", p. 401.

۳. "School Textbooks and Assembling...", p. 264.

۴. الجمهورية العربية المتحدة، وزارت التربية و التعليم، النقد و البلاغة، قاهره: ۱۹۶۳ م، صص. ۵۴-۵۵، به نقل از

"School Textbooks and Assembling...", p. 265

۵. Ibid.

به برنامه درسی مدارس بازکرد. شگفت آور آن که برای درونی کردن این دیدگاه در دانش‌آموزان به بقایای تمدن فراعنه، دوران اسلامی به ویژه دوره فاطمی استناد شد. دوره‌ی عثمانی به عنوان عصری توصیف شد که در آن مصر به تدریج رو به زوال و رکود نهاد.^۱ جالب آن که در این میان، جز عثمانی، نامی از سلسله‌های غیربومی بیگانه نظیر رومیان، بطالسه و حاکمان انگلیسی به میان نیامده است، گو این که آنان در زمینه صنعت در مصر هیچ دستاوردی نداشتند.

اما کنش حکومت تنها به موارد مذکور محدود نماند. حوزه‌ی فعالیت تاریخی نیز از نور چراغ‌های «حراست از انقلاب» مخفی نماند. محمدشفیق غُربال، پیشوای مورخان مصر، ریاست گروه تاریخ و جریان تاریخ‌نگاری علمی دانشگاه قاهره، با این استدلال که با دربار رابطه‌ی نزدیکی داشته، از کار برکنار و محمد فؤاد شکری، یک محقق توانمند، جانشین وی شد. پس از این واقعه، غُربال از فعالیت‌های تاریخی و حتی راهنمایی رساله‌های دانشجویی کناره گرفت.^۲ در واکنش به این ماجرا، محمد انیس، یکی از شاگردان وی، در دفاع از استاد مقاله‌ای تحریر و تأکید کرد که غُربال فردی بسیار علمی و کاملاً مستقل از دربار بوده است.^۳ سرنوشت مشابهی برای دیگر مورخان مشهور سابق پیش آمد. ظاهراً انقلاب هرگز به خدمات ارجمند محمد صبری، مورخ مستقل دهه‌های پیش، به اتهام درباری بودن، نیازی احساس نکرد، و وی به ناچار تلاش‌های تحقیقاتی‌اش را به حوزه‌هایی با حساسیت کمتر نظیر ادبیات انتقادی انتقال داد. عبدالرحمن زکی نیز به همان دلیل برکناری غُربال، پس از ۱۹۵۲، خود را در انزوا یافت. در این محدودیت وی مجبور شد در فضای بی‌ضرر «تاریخ هنر» فعالیت کند.^۴

۵. مورخان و میثاق: حمایتی سازنده از میثاق و چهره‌گردانی از تاریخ

تأثیر میثاق تنها به اقدامات رژیم انقلابی در حوزه‌ی فعالیت تاریخی محدود نشد. واکنش

1. Ibid.

2. "Politics, History...Egypt", p. 403.

3. محمد انیس، «شفیق غُربال و مدرسه‌ی تاریخ مصری الحدیث»، *المجله*، العدد ۵۸، صص. ۱۲-۱۳.

4. "Politics, History...Egypt", p. 403.

تأثیر «میثاق الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه‌ی «تاریخ») | ۴۳

مورخان به این سند، تأثیرات میثاق را در معرفت تاریخی در مصر مضاعف کرد. گرچه بیشتر بحث‌های علمی میثاق (منشور) بر این امر متمرکز بود که چگونه ایدئولوژی سوسیالیسم در اقتصاد و سیاست جامعه به کار انداخته شود، محققان از این واقعیت آگاه بودند که منشور می‌بایست در مورد تاریخ مصر چیزهای زیادی برای گفتن داشته باشد. به رغم این که منشور دیدگاه و اطلاعات جدیدی در مورد تاریخ جدید مصر ارائه نمی‌داد، درک تاریخی از سوسیالیسم علمی را، که در این برهه پدید آمد، نمایندگی کرد^۱ و این برجسته‌ترین اهمیت و مشخصه‌ی آن در تاریخ‌نگاری مصر دهه‌ی شصت بود. میثاق به عنوان یک متن ساختاری و الگو تا حدود زیادی به طور گسترده پذیرفته شد و بسیاری از مورخان و ایدئولوگ‌های تاریخی مانند جلال السید، عبدالحمید بطریق، مصطفی سامی، حسین فوزی نجار و آنیس بر اهمیت تفسیر تاریخی بر طبق آن اصرار ورزیدند. این مورخان - که طبیعی بود متعلق به محفل چپ مصری باشند - خود را از طیف روشنفکران به حساب می‌آوردند،^۲ طیفی که مطابق سخن منشور در ساخت و تحول جامعه سوسیالیستی یک وزنه اساسی به شمار می‌رفت.

به نظر راقم این سطور، واکنش این مورخان به تأثیر میثاق در حوزه‌ی تاریخ نسبت به دهه‌ی پیش کمی متفاوت بود. پیش‌تر در دهه‌ی پنجاه، برای خوانش مجدد از تاریخ - تاریخی که همسو با خواسته‌ها و مشروعیت‌بخشی به انقلابیون ۵۲ باشد - بیشترین کنش و تلاش از سوی افسران آزاد و رژیم ناصر صورت می‌گرفت. اما اینک نسل جدیدی از مورخان در حال پدیدار شدن بودند که به نحو شگفتی با اهداف سوسیالیسم و انقلاب فرهنگی ناصر و منشور او همخوان و هم‌راستا بودند. این نسل، از میان اندیشه‌های مدرنیستی، به ضرورت سیطره‌ی تفکر سوسیالیسم بر تاریخ و الگوهای آن اعتقاد راسخی داشت. آنان، در یک دیالوگ عمیق و مناقشه‌ای پویا با بافت فرهنگی، آرام‌آرام جایگزین

1. *Gatekeepers of the Arab Past...*, p. 241;

برای مفهوم سوسیالیسم علمی بنگرید به بخش سوم مقاله‌ی حاضر و برای اطلاعات تاریخی منشور نک. میثاق، باب‌های درس النکسة، فی ضرورة الثورة، جذور النضال المصری، فی حتمية الحل الاشتراکی.

۲. «حول قضیه التغير الثقافي...»، صص. ۱۰-۱۱.

مورخان نسل قدیم شدند و رهبری حرکت تاریخ‌نگاری دهه‌ی شصت را در دست گرفتند. پرچم‌دار این جریان یکی از اساتید دانشگاه قاهره به نام محمد انیس بود. عکس‌العمل اهل تاریخ به میثاق در دو ساحت تلاش آنها برای سلطه بر مراکز علمی تاریخ و تغییر رویکردهای آن و نگارش مقاله در مجلات و تولید کتاب قابل پیگیری است. در ادامه، این عکس‌العمل ابتدا در ساحت نخست و سپس در حوزه‌ی تولید متون نشان داده می‌شود.

الف. در روایت میثاق، اهمیت انقلاب ۱۹۱۹ در این بود که دلایل شکست آن بذره‌های نمو انقلاب ژوئیه شد.^۱ واکنش فوری اهل تاریخ به این نظرگاه میثاق تنظیم و تدوین یک پروژه برای بررسی دلایل انقلاب ۱۹۱۹ بود. این پروژه منجر به تشکیل هیئت و «کمیته مطالعات ریشه‌های انقلاب ۱۹۱۹» به ریاست انیس گردید. همچنین احمد عبدالرحمن مصطفی، استاد برجسته علمی دانشگاه عین‌الشمس، به عنوان عضو این کمیته انتخاب شد. پیروزی انیس نتیجه‌ی نقد و مجادله‌ی وی با سخن یکی از پیشکسوتان تاریخ‌نگاری مصر یعنی حسن عثمان بود. حسن عثمان در یکی از سخنرانی‌هایش در مرکز مطالعات آفریقا (معهد الدراسات الافريقية) تأکید کرده بود موضوعات مربوط به پنجاه سال اخیر نمی‌توانند در حوزه‌ی تحقیق مورخان قرار گیرند. این نظر با اعتراض شدید انیس پاسخ داده شد.^۲

یکی دیگر از اقدامات مهم مورخان در جهت ایجاد نگاه سوسیالیستی در مورخان و مردم «پروژه بازنویسی تاریخ جدید» (مشروع إعادة كتابة التاريخ الحديث) بود.^۳ هرچند جرقه‌ی این طرح در تابستان ۱۹۶۱ زده شد، بحث بر سر چگونگی اجرای آن سبب وقوع گفت‌وگوها، نشست‌ها و سمینارهای زیادی شد که تا سال ۱۹۶۵ به طول انجامید.^۴ یک اقدام مهم در ذیل این پروژه ایجاد یک مرکز آرشیو ملی (دار الوثائق القومي) در ۱۹۶۳

۱. میثاق، باب جذور النضال المصری.

2. "Politics, History...Egypt", p. 393.

۳. این بازنگری ابتدا به صورت فردی در قالب رساله‌های ارشد و دکتری دانشگاهی آغاز شده بود. جلال السید، «تاریخنا القومي یکتبه الأمريكيون و البريطانيون و الصهيونيون...»، الکاتب، سبتمبر ۱۹۶۵، العدد ۵۴، ص. ۱۲۸.

۴. همان، ص. ۱۲۹؛ «تحقیق صریح حول الثقافة و...»، العدد ۶۴، صص. ۱۸-۳۲.

تأثیر «میثاق الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه‌ی «تاریخ») | ۴۵

بود.^۱ مرکز آرشیو جدید ضمن وظیفه‌ی ممانعت از خروج اسناد ملی از کشور، مسئولیت جمع‌آوری اسناد بیشتر و خاطرات سیاسی را هم بر عهده داشت.^۲ فعالیت انیس در دفاع از ایجاد این آرشیو به ریاست او منتهی شد. در منصب جدید، انیس ضمن اعتراض به بودجه اختصاص یافته به آرشیو از سوی وزارت فرهنگ، توانست اسناد مورد علاقه‌اش را نیز جمع‌آوری کند.^۳ از زاویه‌ای دیگر، شاید ظهور این تلاش را بتوان از دریچه‌ی واکنش مورخان چپ و در رأس آنها انیس به طرح دانشگاه امریکایی قاهره در ۱۹۶۲ نگریست. هدف و دورنمای این طرح، تدوین تاریخ مصر جدید بر اساس جمع‌آوری اسناد آن بود.^۴

ظاهراً این پروژه امریکایی در آغاز چندان مطرح نبوده و تنها پس از حمایت دانشگاه‌های هاروارد و فورد و گفت‌وگوهای مطرح‌شده در کنگره «تاریخ مصر جدید» به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است.^۵ هولت، دبیر علمی کنگره، بیست‌وسه نفر از اساتید تاریخ جدید مصر همچون انیس را به این کنفرانس دعوت کرده بود.^۶ بسیاری از سخنرانی‌های این کنفرانس در مورد نقد میثاق، ناتوانی مصریان در جمع‌آوری اسناد ناشناخته‌ی مصر و نقد شدید رویکرد سوسیالیستی نسل جدید مورخان با تعبیر رویکرد

۱. پیش‌تر در ۱۹۵۸، یک «دار الوثائق التاريخية» توسط وزارت فرهنگ افتتاح شده بود که ظاهراً هدف و کارآیی لازم را نداشت. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به مؤلف ناشناخته، «وزارة الثقافة للفنون والآداب و التاريخ و البعث القومي»، المجلة، العدد ۲۰، محرم ۱۳۸۷ ق. / آگوست ۱۹۵۸ م، صص. ۱۱-۱۵.

۲. «تاریخنا القومي یکتبه الأمريكيون و...»، ص. ۱۲۹.

3. "Politics, History, ... Egypt", p. 394.

۴. محمد انیس، «مذكرة عن إنشاء مركز الوثائق التاريخية»، الکاتب العربی، العدد ۳۹، اکتوبر ۱۹۶۷ م، ص. ۴۱؛ «تاریخنا القومي یکتبه الأمريكيون و...»، صص. ۱۲۹-۱۳۰.

۵. «مؤتمر تاریخ مصر الحديث» در آوریل ۱۹۶۵ توسط دیارتمان مطالعات شرقی و آفریقایی (School of Oriental and African Studies) در دانشگاه لندن به مدیریت هولت (P. M. Holt)، استاد این دانشگاه، برگزار شد. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به سایت دانشگاه و کتاب هولت:

Peter Holt, (1968), *Political and Social Change in Modern Egypt: Historical Studies from the Ottoman Conquest to the United Arab Republic*; Conference publication; London; New York, Oxford U.P.

۶. این دعوت به هنگام سفر هولت به قاهره در تابستان ۱۹۶۴ رخ داد. «مذكرة عن إنشاء مركز الوثائق التاريخية»، ص. ۴۱؛ «تاریخنا القومي یکتبه الأمريكيون و...»، صص. ۱۲۹-۱۳۱.

حقیقت‌زدا از تاریخ بود.^۱ طبیعی بود که این انکار با واکنش تندتری از سوی برخی از اهالی تاریخ پاسخ داده شود.^۲

واکنش در دو عملکرد پدیدار شد. مجدداً انیس در صف جلو راست‌قامت ایستاده بود. او و همراهان چپ‌گرایش شروع به تجدید نظر در مفاد و عملکرد پروژه‌ی «بازنویسی تاریخ» کردند و ضمن نقد عالمانه و حتی گاه تند در اجرای گسترده‌تر آن تلاش مضاعف به خرج دادند. این نقد در مقالات متعددی منعکس شد. تأسیس کمیته‌ی عالی نظارت، کمیته‌ی فرعی متخصص و نیز مرکز «مطالعات تاریخ ملی» (دراسات التاریخ القومی) در راستای اجرای پروژه توسط وزارت فرهنگ ثمره‌ی این تلاش بود.^۳ اما پیگیری در همین مقدار محدود نماند. مجدداً میزان عینیت و درستی تاریخ‌نگاری ماقبل ۱۹۵۲ به چالش کشیده شد. بر این نکته تأکید شد که همه‌ی آثار تاریخ‌نگاری این دوره دستاورد فعالیت مورخان سلطنتی، مورخان اروپایی و امریکایی دست‌پرورده‌ی استعمار و سلطنت و در نهایت محصول جنبش ملی‌گرایی حزبی مانند آثار رافعی بوده که همگی فاقد روش علمی بوده‌اند.^۴ این چالش تأییدکننده‌ی حقانیت و مشروعیت «پروژه‌ی بازنویسی تاریخ» بود. در حالی که بی هیچ توضیحی در مورد تاریخ‌نگاری علمی این برهه سکوت اختیار شد و

۱. همان‌ها.

۲. شاهد این سخن آن که در همین سال و در همین دانشکده، کنفرانس دیگری به نام «تاریخ و مورخان خاورمیانه» برگزار شد که مورخانی چون جمال‌الدین شیال در آن دعوت شدند، اما واکنشی را در اهل تاریخ مصر سبب نشد. در مورد این کنفرانس تنها در سایت الحیاة یک خبر یافت شد:

<http://alhayat.com/home/Print/416431?PrintPictures=0>

اما واژه «برخی» را عامدانه انتخاب کرده‌ام، چرا که تعدادی از روشنفکران مصری نیز به دلایل متفاوت مخالف اعاده کتابه تاریخ بودند («مذکرة عن إنشاء مركز الوثائق التاريخية»، ص. ۴۱). یکی از این افراد رافعی بود که تأکید می‌کرد نیازی به بازنویسی تاریخ نیست، زیرا تمام تاریخ جدید مصر به عنوان مرجع تمام‌عیار توسط او به نگارش درآمده است («تاریخنا القومی یکتبه الأمريکیون و...»، صص. ۱۲۹، ۱۳۳؛ «تحقیق صریح حول الثقافة و...»، العدد ۶۴، ص. ۳۱).

۳. «مذکرة عن إنشاء مركز الوثائق التاريخية»، ص. ۴۱.

۴. مجدداً رافعی به عنوان بزرگ‌ترین نمونه تاریخ‌نویسی حزبی مورد انتقاد قرار گرفت. همان؛ «تاریخنا القومی یکتبه الأمريکیون و...»، صص. ۱۲۶-۱۳۰.

تأثیر «میثاق الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه‌ی «تاریخ») | ۴۷

جای نقد آن سفید ماند. این مورخان موشکافانه نه تنها عملکرد ناقص این پروژه را دنبال کردند و مقالات انتقادی و پیشنهادهایی برای اجرای بهتر آن ارائه دادند، بلکه برای تسلط خود بر پست‌های ریاست و کادر اداری آن بسیار تلاش کردند. آنان خود را در مقام سوسیالیست‌هایی تمام‌عیار لایق این مناصب می‌دانستند. حجت آنها بر ضرورت تغییر آن بود که این مراکز با هدف تغییر سوسیالیسم و انقلاب فرهنگی تأسیس شده، اما هنوز تحت سیطره مخالفان این اندیشه و «نیروهای ارتجاع» قرار دارد.^۱ در تصویر این فرماندهان پیش‌رو، باز چهره انیس به نحو برجسته مشاهده می‌شود. چهره‌ی جلال السید به عنوان یک مورخ پویا نیز جلب توجه می‌نماید که بسیار تندروتر از انیس بود. او و دوستانش مقالات زیادی را در این زمینه در *الکاتب* به چاپ رساندند.^۲

واکنش دیگر به پروژه‌ی دانشگاه امریکایی قاهره خود را در برگزاری کنفرانسی پیرامون «پروژه بازنویسی تاریخ ملی» در واپسین ماه‌های سال ۱۹۶۵ (۲۹ نوامبر / تشرین الثانی - ۲۱ دسامبر / کانون الاول) نشان داد. این کنفرانس توسط «انجمن مصری پژوهش‌های تاریخی» (الجمعية المصرية للدراسات التاريخية) برگزار شد. تاریخ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی موضوع چهار نشست آزاد این کنفرانس بود.^۳ سه جریان

۱. برای شاهد مثال شکایت انیس در یک مقاله از ریاست کمیته عالی نظارت بر پروژه بازنویسی بود که در آن واحد مدیر سازمان خبرگزاری (مصلحة الاستعلامات) بود و پروژه را تحت‌الشعاع برنامه‌های این سازمان قرار داده بود («مذكرة عن إنشاء مركز الوثائق التاريخية»، ص. ۴۲) و نیز بنگرید به پیشنهادهای انیس در مورد تأسیس مرکز وثائق و تاریخ مصر المعاصرة به جای مرکز دراسات التاريخ القومي و ارائه برنامه جزئی طرح پیشنهادی‌اش (همان، صص. ۴۱-۴۲؛ «تاریخنا القومي یکتبه الأمريكيون و...»، ص. ۱۲۹؛ «تحقیق صریح حول الثقافة و...»، العدد ۶۴، صص. ۱۸-۳۲؛ «دراسة صریحة حول: الثقافة و...»، العدد ۶۵، صص. ۳۸-۶۵؛ جلال السید و...، «تحقیق صریح حول: الثقافة و الثورة فی مجتمعنا»، *الکاتب*، العدد ۶۶، سبتمبر ۱۹۶۶، صص. ۵۱-۷۰؛ جلال السید و...، «تحقیق صریح حول: الثقافة و الثورة فی مجتمعنا»، *الکاتب*، العدد ۶۷، اکتوبر ۱۹۶۶، صص. ۴۲-۶۶.

۲. «تحقیق صریح حول: الثقافة و الثورة...»، العدد ۶۴؛ العدد ۶۵؛ العدد ۶۶؛ العدد ۶۷.

۳. عبدالعظیم رمضان، «اعادة كتابة تاريخنا القومي و...»، *قضايا عربية*، السنة السادسة، العدد ۵، سبتمبر ۱۹۷۹، ص. ۲۰۷.

تاریخ‌نگاری در این نشست‌ها قابل مشاهده است: جریان علمی، که بر استفاده از اسناد تأکید می‌کرد؛ مارکسیستی، که بر تفسیر مادی صرف تأکید داشت؛ و سوسیالیستی که علاوه بر توجه به روابط و نیروهای تولید به نیروهای اجتماعی هم توجه می‌کرد.^۱ در این کنفرانس جریان سوسیالیستی سعی کرد جریان‌های رقیب را نسبت به برتری حقیقی شاهرآه سوسیالیسم به عنوان مسیر صحیح‌تر و عینی‌تر در تاریخ‌نگاری مجاب سازد.^۲

ب. اثرپذیری از منشور یک سال پس از صدور آن خود را در متون تولیدی مورخان نیز نشان داد. در مجموع، چهار محور در این آثار قابل شناسایی است: تعریف و تفسیر سوسیالیسم عربی، تأکید بر لزوم استفاده از روش تفسیر سوسیالیستی در نگارش تاریخ، تولید متون تاریخی بر اساس این روش و نقد تولیدات علمی مؤسسات فرهنگی که برای تحقق سوسیالیسم در جامعه‌ی مصر آن روز تأسیس شده بودند.

در مورد محور نخست و دوم، برخی از روشنفکران میثاق را بهترین راهنمای مرحله‌ی تحول جامعه به سوی سوسیالیسم دانستند و بر تفسیر سوسیالیستی از تاریخ ملی مصر تأکید کردند.^۳ هرچند برداشت و تفسیر آنان از سوسیالیسم همیشه یکسان نبود و گاه در نقطه مقابل هم قرار می‌گرفت. برای نمونه، فوزی نجار به بیان تفاوت سوسیالیسم عربی از مارکسیسم پرداخت. در این تفسیر، وی در پی آن بود که جبریت و اجتناب‌ناپذیری سوسیالیسم عربی را نسبت به انواع دیگر سوسیالیسم به ویژه مارکسیسم اثبات کند. از نگاه فوزی نجار، این جبر برخاسته از آرزوهای دور و دراز و متغیر توده‌های خلق است، به علاوه این که به لحاظ هدف و واقعیت تاریخی به «فلسفه‌ی عمل‌گرا» (Pragmatism)

۱. همان، صص. ۲۰۷-۲۱۵.

۲. همان، ص. ۲۰۸.

۳. برای نمونه، نک. محمد انیس، «النظرة الإشتراكية لتاريخ مجتمعنا»، الأهرام، ۹ یولیو ۱۹۶۳؛ محمد الشعراوی، «فی دراسة تاریخنا الحدیث»، الرسالة، ۲۱ نوامبر ۱۹۶۶؛ زکی نجیب محفوظ، «هذا العدد [سخن سردبیر]»؛ و مقاله‌ی «خاطرة حول الميثاق»، الفكر المعاصر، العدد السادس عشر، یونیو ۱۹۶۶، صص. ۱۰-۴؛ محمد احمدحسین، «الدراسات التاريخية و مناهجها الحدیثة»، المجلة، العدد ۱۲۴، أبريل ۱۹۶۷، ص. ۲۸؛ نمونه بیشتر مواضع مورخان و روشنفکران را بنگرید در مصطفی عبدالغنی، (۲۰۰۰)، المثقفون و عبدالناصر، قاهرة، دار غریب، صص. ۳۴۸، ۳۴۹.

نزدیک تر است تا مارکسیسم، در حالی که جبر مارکسیسم از تفسیر مادی تاریخ و قانون زیربنایی اقتصاد تغذیه می‌کند، اما سوسیالیسم عربی هرچند منکر تأثیر عوامل مادی در تاریخ نیست، به تأثیر انسان و آگاهی و تفکر در تحول تاریخی ایمان راسخ‌تری دارد.^۱ اما تفسیر فوزی نجار توسط السید و همکارانش به این دلیل که ناقض تفکر ميثاق بود مورد نقد قرار گرفت. نویسندگان ضمن اشاره به این که معنای «فلسفه‌ی عمل‌گرا» بر هیچ خواننده‌ای واضح و روشن نیست، تأکید کردند که پایه‌های این فلسفه پایه‌های نظام سرمایه‌داری جهانی و غرب است و در تضاد آشکار با فلسفه سوسیالیسم قرار دارد.^۲ انیس نیز، بر خلاف نجار، تغییرات اقتصادی را عامل اصلی و زیربنایی جامعه دانست و تغییرات فرهنگی را عاملی کمک‌کننده و درجه دوم معرفی کرد.^۳

از سوی دیگر، مورخان متأثر از دیدگاه ميثاق - که نیروی روشنفکران را نیروهای فعال خلق می‌دانست که در بستر جامعه حضور پویا دارند - قسمتی از رسالتشان را نظارت بر فعالیت بخش فرهنگی تعریف کردند. از این رو، برخی از مقاله‌های آنها به واکاوی و انتقاد از حوزه‌ی انقلاب فرهنگی خصوصاً کارآیی طرح‌های چاپ و نشر کتب و مجلات در راستای سوسیالیستی کردن جامعه اختصاص یافت. بر اساس جستجوی نگارنده، یکی از بهترین این تلاش‌ها از سوی جلال السید و دوستانش، چپ‌های رادیکال، صورت گرفته است. السید و هم‌قطاران‌ش در پنج مقاله‌ی طولانی از کتب تاریخی تدریس‌شده در دانشگاه‌ها (حتی کتب انیس) انتقاد کردند. آنان، ضمن هدف قرار دادن تربیت نسلی با عقیده‌ی سوسیالیسم که دغدغه‌ی ناسیونالیستی را هم داشته باشد، بر ضرورت تغییر در کیفیت کتب مربوط به انقلاب‌ها در جامعه عربی تأکید می‌کردند.^۴

۱. حسین فوزی نجار، «الاشتراكية العربية و تفسیر التاريخ»، *الفکر المعاصر*، العدد ۱۶، یونیه ۱۹۶۶، صص. ۱۷-۱۰.

۲. «تحقیق صریح حول الثقافة و...»، العدد ۶۶، صص. ۶۹، ۷۰.

۳. «حول قضية التغير الثقافي»، ص. ۶.

۴. جلال السید و دیگران، «الجامعة و الاشتراكية (۲)»: تحقیق صریح فی برنامج التعليم الجامعی»، *الکاتب*، العدد ۵۲ (یولیو ۱۹۶۵)، صص. ۶۶-۸۰؛ العدد ۵۳ (أغسطس ۱۹۶۵)، صص. ۱۳۰-۱۶۶؛ العدد ۵۵ (أکتبر ۱۹۶۵)، صص. ۵۷-۷۳؛ العدد ۵۶ (نومبر ۱۹۶۵)، صص. ۹۸-۱۰۵.

علاوه بر این، السید و هم‌قطارانش به نقد دستاوردهای علمی مراکز و مؤسسات فرهنگی و طرح‌های ایجادشده برای تحقق سوسیالیسم پرداختند. این تحلیل‌ها عالمانه و همراه با ذکر نمونه و مثال از انواع کتاب‌ها و مجله‌ها بود. انتقادات شامل ارزیابی مضمون و کیفیت متون، مقایسه تعداد نسخه‌های چاپ‌شده یا میزان تجدید چاپ هر کتاب با کتب متعدد دیگر در شرکت‌های نشر بود. نقطه‌ی قوت عالمانه‌ی این مقالات ذکر مثال‌های متنوع از انواع کتب و مجلات منتشرشده‌ی پروژه‌های مزبور بود. این نقدها نه فقط منحصر به حوزه‌ی تاریخ بلکه تمام حوزه‌های ادبی، علوم اجتماعی، اقتصاد و... را در بر می‌گرفت.^۱ از منظری دیگر، این گزارش‌های انتقادی فضاهای خاکستری دنیای تاریخ را در دهه‌ی شصت روشن می‌کرد. از گزارش‌های مزبور چنین برمی‌آید که در فاصله سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۵ تولیدات این مراکز و طرح‌ها فقط وجه کمی را مد نظر داشته و در وجه کیفی همچون هدف و نظریه سوسیالیسم بر اساس میثاق بسیار ضعیف عمل کرده‌اند. می‌توان گفت مرکز نقل این نقصان در دار القومیه و طرح هزار کتاب آن (الألف کتب) تبلور می‌یافت.^۲ این ضعف هم حوزه نوشتارهای مصریان (کتاب و مقاله) و هم حوزه ترجمه‌ها را در بر می‌گرفت. بسیاری از کتب تولیدشده در واقع شیوه‌ی چسب و قیچی و تکرار مکررات آثار قدیمی بود. ترجمه‌های ناقص به وفور به چشم می‌خورد. بازار داغ تولید کمی و تهی شدن محتوای کتب یادآور بازارهای بغداد در عصر نهضت ترجمه بود، زمانی که بابت ترجمه‌ی هر کتاب به وزن و نه محتوای آن درهم و دینار تعلق می‌گرفت.^۳ مورخان روشنفکر

۱. السید و همکارانش در چندین شماره موردبهمورد به نقد مؤسسات فرهنگی دار القومیه، دار المصریه، المؤسسة المصریه، طرح‌های هزار کتاب، سلاسل، المکتبه العربیه و اقسام آن، مجلات وزارت فرهنگ همچون الرسالة، الثقافة، القصة، المجلة، المسرح و الفكر المعاصر پرداخته‌اند: «تحقیق صریح حول: الثقافة و الثورة فی مجتمعنا»، العدد ۶۴، صص ۱۸-۳۲؛ العدد ۶۵، صص ۳۸-۶۵؛ العدد ۶۶، صص ۵۱-۷۰؛ العدد ۶۷، ۴۲-۶۶.

۲. برای نمونه بنگرید به حملات بسیار السید در: «تحقیق صریح حول الثقافة و...»، العدد ۶۴، صص ۳۰؛ «ثورة ۲۳ یولیو/تموز و المسألة الثقافية»، صص ۵۰۲-۵۰۴.

۳. این یافته را مدیون استاد بزرگوارم آقای دکتر رسول جعفریان هستم که پیش‌تر یادآور شده بودند که بیشتر تولیدات مصریان این دوره زیاده‌نویسی و تکرار مکررات است و خوشبختانه شواهد آن نیز یافت شد.

تأثیر «میثاق الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه «تاریخ») | ۵۱

سوسیالیست این امر را بحرانی جدی در حوزه تولیدات فرهنگی خاصه تاریخ می‌دیدند و با مقالات انتقادی‌شان سعی در حل این بحران داشتند.

بستر مهم دیگری که مفاد منشور و انقلاب فرهنگی ناصر خود را در آن بازتولید می‌کرد نوشتارهایی در مورد تاریخ بود. نوشته‌های محمد انیس در رأس این آثار قرار دارد.^۱ چنان که ذکر شد، انیس یک روشنفکر فعال فرهنگی و رئیس گروه تاریخ دانشگاه قاهره بود. او به جد تلاش می‌کرد تفکر سوسیالیسم را در تمام مراکز و آثار تاریخی وارد کند. متون تاریخی او همانند عمل فرهنگی‌اش مؤید این نظر است. برای نمونه، او در نوشتاری ابتدا با تحلیل میثاق و تأکید بر این که مبانی کلی سوسیالیسم در جهان یکی است، اما تحقق و تطبیق آن به لحاظ عملی و حتی نظری به شرایط خاص هر جامعه بستگی دارد، می‌نویسد: بهترین راه این تطبیق و همسان‌سازی مطالعه عمیق و دقیق تاریخ ملی‌مان است ... چرا که با کشف اوضاع خاص تحول جامعه مصر از مراحل فئودالی، سرمایه‌داری و مقایسه آن با جوامع دیگر و نیز امکانات و پتانسیل اجتماع، می‌توان یک جامعه سوسیالیسم موفق بنا نهاد.^۲

با این دیدگاه، انیس در مجموعه‌ای از مقالات با عنوان «تطور المجتمع المصری من الإقطاع إلى الاشتراکیة» تلاش کرد تاریخ مصر را با دیدگاه سوسیالیسم کشف و روایت کند.^۳ در این نگاه به تاریخ، او تنها تاریخ جدید و معاصر مصر را مورد بازخوانی قرار داد. در این مجموعه، او ابتدا به ضرورت یک پژوهش تاریخی برای نشان دادن چگونگی پایان عصر فئودالیسم و تطور و رشد سرمایه‌داری مصری تأکید کرد.^۴ انیس با ذکر عوامل اقتصادی و

1. "Politics, History ... Egypt", p. 402; Peter Gran, "Modern Trends in Egyptian Historiography..."; *International Journal of Middle East Studies*; Vol. 9, No. 3, (Oct. 1978), p. 367.

۲. محمد انیس، «تاریخنا القومي فی الميثاق»، الکاتب، العدد ۶۳، يونيو ۱۹۶۶، ص. ۷۰.

۳. محمد انیس، «دراسة فی المجتمع المصری من الإقطاع إلى الاشتراکیة»، الکاتب؛ من ژوئیه إلى نومبر ۱۹۶۵، العدد ۵۱، صص. ۳۹-۵۰؛ العدد ۵۲، صص. ۱۰۶-۱۲۱؛ العدد ۶۰، صص. ۱۳-۲۵؛ العدد ۵۳، صص. ۱۴-۴۳؛ العدد ۵۵، صص. ۲۲-۳۶؛ العدد ۵۶، صص. ۱۳-۱۸. این شش مقاله در کتابی با همین عنوان منتشر شده است.

۴. «دراسة فی المجتمع المصری من...»، العدد ۵۱، ص. ۳۹.

اجتماعی و نزاع طبقاتی در طول تاریخ جدید مصر نشان می‌دهد مصر از مراحل اجتناب‌ناپذیری عبور کرده و به لحاظ تاریخی انتخاب نظام سوسیالیستی در مصر امری جبری و حتمی بوده است. این تحلیل، گفته‌های منشور را به یاد می‌آورد: «جایگزینی سوسیالیسم یک جبر تاریخی است» (باب فی حتمیة الحل الاشتراکی). انیس عصر فتودالیسم را همان دوره‌ی عثمانی تلقی کرد و همانند منشور (باب جذور النضال المصری) آن را عصر عقب‌افتادگی خواند. از نظرگاه انیس، نقطه آغاز عصر جدید در تاریخ مصر با پایان فتودالیسم و آغاز دوره سرمایه‌داری در این سرزمین هم‌پوشانی دارد. این دوره با حمله فرانسه به مصر (۱۷۹۸) شروع و با حکومت محمدعلی تثبیت می‌گردد.^۱ در خوانش این مورخ، تقریباً تمام دوران حکومت خدیوها، دوره‌ی سرمایه‌داری و عصر تاریخ معاصر یعنی پس از انقلاب ۲۳ ژوئیه، همان تاریخ سوسیالیسم در نظر گرفته شد.^۲

نتیجه‌گیری

«میثاق الوطنی» (منشور ملی)، به عنوان مرامنامه‌ی اصلی تئوریک ناصر، اصول ناسیونالیسم، مرام سیاسی و ایدئولوژی سوسیالیسم وی را به تصویر می‌کشد. این مرامنامه یکی از مهم‌ترین سندهای دهه‌ی شصت میلادی است. این تأثیرگذاری را باید از دو وجه کنش حکومت و واکنش روشنفکران نگریست. از منظر کنش، حکومت ناصر، پس از صدور رساله‌ی میثاق، اقداماتی به منظور ضمانت اجرایی و تحقق آن انجام داد. از جمله مهم‌ترین این اقدامات صدور قوانین و تأسیس ارگان‌هایی در حوزه فرهنگ برای تحقق سوسیالیسم بود. در مقام واکنش، در این دهه نسلی از روشنفکران و نخبگان فرهنگی ظهور کردند که متعلق به محفل چپ مصری بودند و نگرشی مثبت به میثاق و اهداف آن داشتند. از این رو، میثاق به عنوان یک متن الگو به طور گسترده در میان این نخبگان - به ویژه مورخان و ایدئولوگ‌های تاریخی - پذیرفته شد. این مورخان، با الگوبرداری از منشور،

۱. همان.

۲. همان، العدد ۵۱، صص. ۳۹-۵۰؛ العدد ۵۲، صص. ۱۰۶-۱۲۱؛ العدد ۶۰، صص. ۱۳-۲۵؛ العدد ۵۳،

صص. ۱۴-۴۲؛ العدد ۵۵، صص. ۲۲-۳۶؛ العدد ۵۶، صص. ۱۳-۱۸.

تأثیر «میثاق‌الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه «تاریخ») | ۵۳

درکی تاریخی از سوسیالیسم علمی ارائه دادند. آنها مصمم بودند که یک انقلاب فرهنگی در حوزه‌ی تاریخ به ثمر برسانند. آنان با تلاش فراوان در زمینه‌ی تولید متون تاریخی بر اساس دیدگاه سوسیالیسم، به دست آوردن مناصب دانشگاهی و ریاست بر پژوهشگاه‌های مطالعات تاریخی، آرام‌آرام جایگزین مورخان نسل قدیم شدند. در مجموع، آنها توانستند کنترل دانش تاریخ را در مصر دهه‌ی شصت میلادی در دست بگیرند. به نظر می‌رسد اوج فعالیت آنان سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۶ بوده است. با افول سوسیالیسم ناصر به دنبال جنگ با اسرائیل (۱۹۶۷) و مرگ ناصر (۱۹۷۰)، این جریان نیز ضعیف شد، اما دستاورد آن توسعه‌ی دیدگاه‌های مورخان مصری به مسائل اقتصادی و اجتماعی در بازخوانی تاریخ بود.



منابع و مآخذ

- اسماعیل، طارق، (۱۳۶۹)، *چپ ناسیونالیستی عرب*، عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- أنیس، محمد، (۱۹۶۱)، «شفیق غربال و مدرسه التاریخ المصری الحدیث»، *المجلة*، العدد ۵۸، نوفمبر ۱۹۶۱، صص. ۱۲-۱۳.
- أنیس، محمد، (۱۹۶۳)، «النظرة الاشتراكية لتاريخ مجتمعنا»، *الأهرام*، ۹ يوليو ۱۹۶۳.
- أنیس، محمد، (۱۹۶۵)، «دراسة فی المجتمع المصری من الإقطاع إلى الاشتراكية»، *الكاتب*، من زوئیة إلى نومبر ۱۹۶۵، العدد ۵۱، صص. ۳۹-۵۰؛ العدد ۵۲، صص. ۱۰۶-۱۲۱؛ العدد ۶۰، صص. ۱۳-۲۵؛ العدد ۵۳، صص. ۱۴-۴۳؛ العدد ۵۵، صص. ۲۲-۳۶؛ العدد ۵۶، صص. ۱۳-۱۸.
- أنیس، محمد، (۱۹۶۶)، «أول مايو عيدالعمال، ۲۱ مايو يوم الميثاق»، *الكاتب*، العدد ۶۲، مايو ۱۹۶۶، صص. ۴-۸.
- أنیس، محمد، (۱۹۶۶)، «تاریخنا القومي فی الميثاق»، *الكاتب*، العدد ۶۳، يونيو ۱۹۶۶، صص. ۶۹-۷۴.
- أنیس، محمد، (۱۹۶۷)، «حول قضیه التغير الثقافی فی المجتمعات التحول الاشتراکی»، *الهلال*، ۲۶ جمادى الأولى ۱۳۸۷ ق. / اول سبتمبر ۱۹۶۷، صص. ۴-۱۱.
- أنیس، محمد، (۱۹۶۷)، «مذكرة عن إنشا مركز الوثائق التاریخية»، *الكاتب العربی*، العدد ۳۹، أكتوبر ۱۹۶۷، صص. ۴۱-۴۲.
- حسین، محمد احمد، (۱۹۶۷)، «الدراسات التاریخية و مناهجها الحدیثة»، *المجلة*، العدد ۱۲۴، أبريل ۱۹۶۷، صص. ۲۸-۳۰.
- حورانی، آلبرت و دیگران، (۱۳۵۱)، *مسائل خاورمیانه*، عبدالله گله‌داری، تهران: امیرکبیر.
- حورانی، آلبرت، (۱۳۸۷)، *تاریخ مردمان عرب*، فرید جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
- خدوری، مجید (۱۳۷۴)، *گرایش‌های سیاسی در جهان عرب*، عبدالرحمن عالم، تهران: وزارت امورخارجه.
- درینیک، ژان پیر، (۱۳۵۸). *خاورمیانه در قرن بیستم*، فرنگیس اردلان، تهران: جاویدان.
- الرافعی، عبدالرحمن، (۱۹۸۴)، *ثورة ۲۳ یولیه سنة ۱۹۵۲*، قاهرة: دار المعارف.
- الرافعی، عبدالرحمن، (۱۹۸۷)، *مقدمات ثورة ۲۳ یولیه سنة ۱۹۵۲*، قاهرة: دارالمعارف.
- رمضان، عبدالعظیم، (۱۹۷۹)، «اعادة كتابة تاریخنا القومي و رؤية تقدیمیة لعلم التاریخ»، *قضايا عربية*،

تأثير «ميثاق الوطني» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصرى (با تأكيد بر حوزه «تاريخ») | ۵۵

السنة السادسة، العدد ۵، سبتمبر ۱۹۷۹، صص. ۲۰۳-۲۱۶.

- رويوران، حسين، (۱۳۹۵)، «رسالت تاريخى ايران و مصر از دیدگاه محمد حسين هيكل»، فرهنگ / سلامى، ش. ۴۴-۴۵، اسفند ۱۳۹۵ - فروردین ۱۳۹۶، صص. ۱۳۴-۱۴۵.

- سعيد، رفعت، (۱۹۸۰)، تاريخ الحركة الاشتراكية فى مصر ۱۹۰۰-۱۹۵۲، بيروت: دار الطليعة و النشر.

- السمان، على، (۱۳۵۷)، روياروبى مسلكها و جنبشهاى سياسى در خاورميانه عربى تا سال ۱۹۶۷، حميد نوحى، تهران: قلم.

- السيد، جلال، (۱۹۶۵)، «الجامعة و الاشتراكية (۵): تحقيق صريح فى برامج التعليم الجامعى»، الكاتب، العدد ۵۶، نومبر ۱۹۶۵، صص. ۹۸-۱۰۵.

- السيد، جلال، (۱۹۶۵)، «تاريخنا القومى يكتبه الأمريكيون و البريطانيون و الصهيونيون: قصة العبث بتاريخنا الحديث»، الكاتب، سبتمبر ۱۹۶۵، العدد ۵۴، صص. ۱۲۶-۱۳۴.

- السيد، جلال، (۱۹۶۶)، عبدالجليل حسن، نبيل زكى، «تحقيق صريح حول: الثقافة و الثورة فى مجتمعنا»، الكاتب، العدد ۶۷، أكتوبر ۱۹۶۶، صص. ۴۲-۶۶.

- السيد، جلال، عبدالجليل حسن، نبيل زكى، (۱۹۶۶)، «تحقيق صريح حول: الثقافة و الثورة فى مجتمعنا»، الكاتب، العدد ۶۶، سبتمبر ۱۹۶۶، صص. ۵۱-۷۰.

- السيد، جلال، عبدالجليل حسن، نبيل زكى، «تحقيق صريح حول: الثقافة و الثورة فى مجتمعنا»، الكاتب، العدد ۶۴، يوليو ۱۹۶۶ م، صص ۳۲-۱۸.

- السيد، جلال، عبدالجليل حسن، نبيل زكى، «دراسة صريحة حول: الثقافة و الثورة فى مجتمعنا»، الكاتب، العدد ۶۵، أغسطس ۱۹۶۶ م، صص ۶۵-۳۸.

- السيد، جلال، عبدالسطار الطويلة، أمية أبوالنصر، أمير اسكندر، عادل فهمى، (۱۹۶۵)، «الجامعة و الاشتراكية (۴): تحقيق صريح فى برامج التعليم الجامعى»، الكاتب، العدد ۵۵، أكتوبر ۱۹۶۵، صص. ۵۷-۷۳.

- السيد، جلال، عبدالسطار الطويلة، أمية أبوالنصر، فتحى عبدالفتاح، (۱۹۶۵)، «الجامعة و الاشتراكية (۳): تحقيق صريح فى برامج التعليم الجامعى»، الكاتب، العدد ۵۳، أغسطس ۱۹۶۵، صص. ۱۳۰-۱۶۶.

- السيد، جلال، عبدالسطار الطويلة، أمية أبوالنصر، فتحى عبدالفتاح، أمير اسكندر، محمد حجازى، (۱۹۶۵)، «الجامعة و الاشتراكية (۲): تحقيق صريح فى برامج التعليم الجامعى»، الكاتب، العدد ۵۲،

یولیه ۱۹۶۵، صص. ۶۶-۹۳.

- الشعراوی، محمد، (۱۹۶۶)، «فی دراسة تاریخنا الحدیث»، الرسالة، ۲۱ نوامبر ۱۹۶۶.
- صقر، ابراهیم و [آخ]، (۲۰۰۹)، ثورة ۲۳ یولیو/تموز قضايا الحاضر، تحديات مستقبل، بحوث و مناقشات الندوة الفكرية التي نظمتها... بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية.
- عبدالغنی، مصطفی، (۲۰۰۰)، المتقفون و عبدالناصر، قاهره: دار غریب الطباعة و النشر و التوزیع.
- العقید، یوسف، (۱۴۲۳ ق. / ۲۰۰۳ م.)، عبدالناصر و المتقفون و الثقافة، قاهره: دار الشروق.
- علی زاده، حسن، (۱۳۸۸)، «بررسی جریانات فکری جهان عرب با تأکید بر "خود" و "دیگری" در رویکردهای سه گانه جهان عرب»، رساله دکتری در دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، به راهنمایی حمید احمدی.
- عنایت، حمید، (۱۳۵۰)، اسلام و سوسیالیسم در مصر، تهران: موج.
- فاروق شوشه، (۱۹۶۰)، «مع الأدباء: یحیی حقی»، الآداب، السنة الثامنة، العدد ۷، یولیه ۱۹۶۰، صص. ۱۱-۱۲.
- فوزی نجار، حسین، (۱۹۶۶)، «الاشتراكية العربية و تفسیر التاريخ»، الفكر المعاصر، العدد ۱۶، یونیه ۱۹۶۶، صص. ۱۰-۱۷.
- گمنام، (۱۳۸۷ ق.)، «وزارة الثقافة للفنون و الآداب و التاريخ و البعث القومي»، المجلة، العدد ۲۰، محرم ۱۳۸۷ ق. / آگوست ۱۹۵۸ م.، صص. ۱۱-۱۵.
- محفوظ، زکی نجیب، (۱۹۶۶)، «خاطرة حول المیناق»، الفكر المعاصر، العدد السادس عشر، یونیه ۱۹۶۶، صص. ۴-۱۰.
- محفوظ، زکی نجیب، «هذا العدد [سخن سردیبر]»، الفكر المعاصر، العدد السادس عشر، یونیه ۱۹۶۶، ص. ۱.
- منسفیلد، پیتر، (۱۳۸۵)، تاریخ خاورمیانه، عبدالعلی اسپهبدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ناتینگ، آنتونی، (۱۳۵۳)، ناصر، عبدالله گله داری، تهران: امیرکبیر.
- نجاتی، غلامرضا، (۱۳۵۱)، جنبش های ملی مصر از محمدعلی تا جمال عبدالناصر، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- یاری، یاسمن، (۱۳۹۲)، «سازگاری غربی- بومی در جریان های فکری مصر در نیمه نخست قرن بیستم»، رساله دکتری در دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر حمید احمدی.

تأثیر «میثاق الوطنی» جمال عبدالناصر بر فرهنگ مصری (با تأکید بر حوزه «تاریخ») | ۵۷

- Akhavi, Shahrough, (1975), "Egypt's Socialism and Marxist Thought: Some Preliminary Observations on Social Theory and Metaphysics", *Comparative Studies in Society and History*, Vol. 17, No. 2, Apr. 1975, pp. 190-211.
- Crabbs, Jack, Jr, (1975), "Politics, History, and Culture in Nasser's Egypt"; *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 6, No. 4, Oct. 1975, pp. 386-420.
- Di-Capua, Yiav, (2009), *Gatekeepers of the Arab Past, Historians and History Writing in twentieth-century Egypt*, London: University of California Press.
- Gran, Peter, (1978), "Modern Trends in Egyptian Historiography: A Review Article"; *International Journal of Middle East Studies*; Vol. 9, No. 3, (Oct. 1978), pp. 367-371.
- Holt, Peter, (1968), *Political and Social Change in Modern Egypt: historical Studies from the Ottoman Conquest to the United Arab Republic*; Conference publication; London; New York, Oxford U.P. <http://www.soas.ac.uk/about/history/> (accessed 2/2/2016).
- Meital, Yoram, (2006), "School Textbooks and Assembling the Puzzle of the Past in Revolutionary Egypt", *Middle Eastern Studies*, Vol. 42, No. 2, (Mar. 2006), pp. 255-270.

– سایت رساله میثاق الوطنی:

<http://nasser.bibalex.org/Speeches/browser.aspx?SID=1015> (accessed 2/2/2016)

– سایت دپارتمان مطالعات شرقی و آفریقایی (School of Oriental and African Studies) دانشگاه لندن:

<http://www.soas.ac.uk/about/history/> (accessed 2/2/2016)

– سایت «تاریخ و مورخان خاورمیانه»:

<http://alhayat.com/home/Print/416431?PrintPictures=0> (accessed 2/2/2016)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی